

«واکاوی قاعده فقهی تبعیت نوافل از فرائض»

(مطالعه موردی حکم نافله ظهرین مسافر در اماکن تخییر: مکه، مدینه، کوفه، نزد قبر امام حسین علیه السلام)

سید محمد علی صالحی

استاد سطح ۲ و ۳ حوزه علمیه خراسان

Email: smassharaky12@gmail.com

چکیده

قاعده تبعیت و به دنبال آن نوافل ظهرین مسافر در اماکن اربعه، یکی از مباحث مرتبط، با بحث صلات مسافر و نوافل است. و از مسائل کوچک نمای بزرگی است. که ابهامات موجود در آن، از جمله این پرسش که آیا قاعده تبعیت، گستره اش از جهت نوافل است یا فرائض؟ و اساسا تبعیت نوافل از فرائض امری قابل اثبات است؟ بر فرض اثبات؛ دامنه اش اماکن اربعه را هم می گیرد یا خیر؟ و آیا حکم نوافل ظهرین مسافر در غیر اماکن اربعه، همان حکم نوافل ظهرین مسافر در اماکن اربعه را دارد؟ دستیابی به مبنا را دشوار ساخته، که در این نوشتار به ارزیابی قاعده تبعیت و ادله مشروعیت و عدم مشروعیت نوافل مسافر در اماکن اربعه پرداخته و اشکالاتی که نشانگر سقوط نوافل بنحو مطلق، و یا ثبوت نوافل در فرض اتمام یا قصد اتمام، و یا ثبوت در فرض قصر خواندن، را حل و پس از ارزیابی و واکاوی راهکارهای موجود، آن را به کرسی اندیشه و نظر می رسانیم.

نگاشته پیش رو کتابخانه ای و با استفاده از داده های استخراج شده از منابع فقهای متقدم و متاخر بوده و به صورت تحلیلی توصیفی به رشته تحریر در آمده، و در نهایت پس از خوانش و واکاوی موانع پیش رو؛ زیر ساخت های قول به ثبوت نوافل ظهرین مسافر در اماکن اربعه ایجاد؛ و اثبات می کنیم که نوافل ظهرین برای مسافر در اماکن اربعه بنحو مطلق ثابت است.

واژگان کلیدی

قاعده تبعیت؛ نوافل، اماکن (اربعه؛ تخییر) قصر و اتمام، مسافر

مقدمه

قواعد فقهی از اهمیت ویژه‌ای در استنباط مسائل جزئی فقهی برخوردارند. و یکی از قواعد فقهی که می‌توان آن را از فقه بدست آورد، قاعده تبعیت نوافل از فرائض است. که این قاعده از قواعد فقهی در ابواب عبادات بشمار می‌آید که اثبات یا نفی آن در به دست آوردن حکم شرعی نسبت به محل‌های که تشریح نوافل در آن‌ها روشن نیست، موثر می‌باشد. نافله‌ی روزانه مسافر در اماکن اربعه یکی از آن محل‌ها است. و برای روشن شدن مجموعه مبانی این مسأله در آغازین سخن به سوالات فرعی که قرار است در این پژوهش به آنها پردازیم، اشاره می‌شود:

۱. آیا قاعده تبعیت نوافل از فرائض شامل غیر مکلفین (صبی ممیز) یا مسافر عاصی (که نمازش کامل است) یا کثیر السفر میشود یا خیر؟
۲. محدوده‌ی قاعده و تبیین آن و کدام دلیل برای قاعده تبعیت نوافل از فرائض قابل پذیرش است؟
۳. در این قاعده، آیا تبعیت از طرف نوافل است یا فرائض، و آیا تبعیت در این قاعده از قصد مکلف است یا فعل او؟

در نگاشته پیش رو، این امر مسلم انگاشته شده است که در اماکن تخییر، یعنی مکه، مدینه، مسجد کوفه و حائر حسینی، وجوب تخییری، میان قصر و اتمام در نماز وجود دارد. و مراد از مسافر، کسی است که به غیر وطن سفر کرده، قصد ده روز ندارد و سفر او نیز معصیت آمیز نیست. و در مورد جواز و مشروعیت نوافل برای مسافری که نیت اقامت حداقل ده روز را دارد یا سفرش معصیت آمیز است. اختلافی وجود ندارد. آنچه مورد بحث است مشروعیت نوافل برای مسافری است که سفر شرعی کوتاه تر از ده روز به اماکن اربعه دارد؛ اکنون قصد داریم بررسی کنیم که آیا این امر موجب مشروعیت نوافل در اماکن اربعه میشود یا خیر؟

در خصوص موضوع تبعیت نوافل از فرائض یا حکم نافله ظهرین مسافر در اماکن اربعه، نگارشی صورت نگرفته است. بحث موجود، از مسائل جزئی است که اصل آن کمتر مورد توجه فقهاء متقدم یا متأخر قرار گرفته است. بسیاری از آنان یا به آن اشاره نکرده اند، و یا اگر اشاره‌ای کرده اند، تنها نگاهی گذار به مطلب داشته اند. اما در نگاشته‌ی پیش رو، سعی شده است نظری پایش شده و مستند نسبت به این مسئله ارائه شود.

برای نمونه مشهور فقیهان، اصل بحث تبعیت و نوافل مسافر، در اماکن اربعه را مطرح نکرده اند، از جمله شیخ صدوق^۱ شیخ مفید^۲ شریف مرتضی^۳ شیخ طوسی^۴ ابن زهره حلبی^۵ ابن ادريس حلبی^۶ محقق حلبی^۷ علامه حلبی^۸ شهید اول^۹ محقق ثانی^{۱۰} شهید ثانی^{۱۱} همچنین بسیاری از معاصرین به این موضوع نپرداختند. مجلسی^{۱۲} حائری^{۱۳} خوانساری^{۱۴} کاشف الغطاء^{۱۵}

-
- ۱ صدوق، المقتنع، ۱۲۴؛ الهدایه، ۱۴۲.
 - ۲ مفید، المقتعه، ۹۱؛ الإشراف، ۲۸، ۲۹، الإعلام، ۲۲.
 - ۳ شریف مرتضی، الانتصار، ۱۶۱؛ جمل العلم و العمل، ۷۷؛ الناصريات، ۲۶۰.
 - ۴ شیخ طوسی، النهایه، ۱۲۲ و ۱۲۴؛ المبسوط، ۱۴۱/۱ الخلاف، ۱۵۶/۱؛ الاستبصار، ۲۲۱/۱ و ۲۷۳؛ التهذیب، ۱۵/۲؛ الجمل و العقود، ۶۷.
 - ۵ حلبی ابن زهره؛ غنیه النزوع، ۶۵.
 - ۶ ابن ادريس حلبی؛ السرائر، ۳۲۷/۱.
 - ۷ محقق حلبی، شرایع، ۱۲۲/۱؛ المختصر النافع، ۵۱/۱؛ نکت النهایه، ۳۵۴/۱ و ۳۶۱؛ المعتمد، ۱۵/۲ و ۴۶۵.
 - ۸ علامه حلبی، الرساله السعديه، ۳۲۲/۱؛ قواعد الاحكام، ۳۲۷/۲؛ منتهی المطلب، ۲۲/۴؛ تبصره المتعلمین، ۵۴؛ تذکره الفقهاء، ۴۰۴/۴؛ ۲۷۲/۲؛ ارشاد الاذهان، ۲۷۵/۱؛ نهایه الاحكام، ۶۳/۲؛ تحریر الاحكام، ۱۰۰؛ تلخیص المرام، ۲۳.
 - ۹ شهید اول، بیان، ۲۶۶؛ الدروس، ۲۱۲/۱؛ الألفیه، ۶۹؛ غایه المراد، ۲۱۷/۱ و ۱۸۸؛ للمعه، ۴۷؛ النفلیه، ۱۱۰.
 - ۱۰ محقق ثانی، ۹/۲.
 - ۱۱ شهید ثانی، روض الجنان، ۴۶۷/۲؛ حاشیه الإرشاد، ۲۱۷/۱ و ۱۸۸؛ فوائد الملیه، ۶۰؛ المختصر، ۲۶ و ۴۹؛ شرایع، ۷۱ و ۴۰؛ الروضه البهیة، ۷۷۸/۱؛ فوائد، الحاشیه الاولى، ۲۰۳ و ۲۲۳؛ مسالک الأفهام، ۳۳۸/۱؛ الحاشیه الثانيه، ۳۲۹.
 - ۱۲ مجلسی اول، لوامع، ۳۶/۵.
 - ۱۳ حائری، سید علی، ریاض، ۱۶۵/۲.
 - ۱۴ خوانساری، آقا جمال، مشارق، ۱۶۴.
 - ۱۵ کاشف الغطاء، نحفی، انوار الفقاهه کتاب صلاه، ۵.

البته تنها برخی از متأخرین به ویژه از معاصرین، این موضوع را در کتب خود اشاره کردند. شهید اول^{۳۴} فیض کاشانی^{۳۵} عاملی^{۳۶} اردبیلی^{۳۷} بحرانی^{۳۸} بهبهانی^{۳۹} عاملی^{۴۰} نراقی^{۴۱} نجفی^{۴۲} رضا همدانی^{۴۳} نائینی^{۴۴} اصفهانی محمد حسین^{۴۵} اصفهانی^{۴۶} بروجردی^{۴۷} سید یزدی^{۴۸} روحانی^{۴۹} سبزواری^{۵۰} سبحانی^{۵۱}

اقوال

بر اساس داده های موجود می توان اقوال و نظریات را به صورت زیر دسته بندی کرد:

۱. سقوط نافله مسافر به صورت مطلق^{۵۲} حتی در اماکن اربعه^{۵۳}.
۲. ثبوت نافله مسافر در اماکن اربعه به صورت مطلق^{۵۴}.

-
- ۳۴ شهید اول، ذکری، ۲/۲۹۷؛ ۴/۳۳۵.
- ۳۵ فیض کاشانی، شهاب الثاقب، ۱/۳۴؛ معتصم الشیعه، ۱/۲۲۱ و ۲/۲۲۲.
- ۳۶ عاملی، محمد، مدارک، ۳/۲۶.
- ۳۷ اردبیلی، احمد، مجمع الفائده، ۵/۱۹۶.
- ۳۸ بحرانی، آل عصفور، یوسف، الحدائق الناظره، ۶/۴۵؛ ۱۱/۲۹۸ و ۴۶۸.
- ۳۹ بهبهانی، محمد باقر، مصابیح الظلام، ۲/۵۹۲ و ۲۱۲ و ۴۵۱.
- ۴۰ عاملی، سید جواد، مفتاح الکرامه، ۵/۳۳ و ۳۵.
- ۴۱ نراقی، احمد، مستند الشیعه، ۵/۴۳۴ و ۴۳۹؛ ۸/۳۱۹.
- ۴۲ صاحب جواهر، جواهر الکلام، ثوب جدید، ۴/۳۹.
- ۴۳ رضا همدانی، مصباح الفقیه، ۹/۵۶ و ۶۳.
- ۴۴ نائینی، کتاب صلاه، ۱/۱۸.
- ۴۵ اصفهانی، محمد حسین، صلوات مسافر، ۴/۱۵۴.
- ۴۶ اصفهانی، ابو الحسن، صلوات مسافر، ۷/۲۰۷.
- ۴۷ بروجردی، آقا حسین، البدر الزاهر، ۲/۳۷۰.
- ۴۸ سید یزدی، عروه الوثقی، ۲/۱۶۰.
- ۴۹ روحانی، سید صادق، فقه الصادق، ۴/۲۱ و ۲۲.
- ۵۰ سبزواری، عبد الاعلی، مهذب الاحکام، ۵/۲۳؛ ۹/۲۸۲.
- ۵۱ سبحانی، جعفر، ضیاء الناظر، ۳۳/۴۳ و ۳۵۰ و ۳۴۶.
- ۵۲ ابن براج، عبد العزیز، المهذب، ۱/۱۰۵؛ محقق حلی، المعتمد، ۲/۱۵ و ۴۶۵؛ علامه حلی؛ ارشاد الاذهان، ۱/۲۷۵؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ۲/۹؛ شهید ثانی، روض الجنان، ۲/۴۶۷؛ خوانساری، آغا جمال، التعليقات علی الروضه، ۴/۱۶۴؛ کاشانی، ملاحیب الله شریف، تسهیل المسالک، ۱۲۶؛ اشتیاردی، علی پناه، ۱۴۱۷ مدارک العروه، ۱۱/۵۱ و ۵۵ و ۵۸؛ بروجردی، آقا حسین، تبیان الصلاه، ۱/۶۴؛ یزدی، سید عباس مدرسی، نموذج، ۹۱/۴۹۵ و ۴۹۵؛ آقا رضا همدانی، مصباح الفقیه، ۹/۵۶ و ۶۳؛ نائینی، محمد حسین، کتاب الصلاه، ۱/۱۸.
- ۵۳ حائری، سید علی، ریاض المسائل، ۲/۱۶۵؛ ابن براج، عبد العزیز، المهذب، ۱/۱۰۵؛ محقق حلی، المعتمد، ۲/۱۵ و ۴۶۵؛ علامه حلی، ارشاد الاذهان، ۱/۲۷۵؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ۲/۹؛ شهید ثانی، روض الجنان، ۲/۴۶۷؛ خوانساری، آغا جمال، التعليقات علی الروضه، ۴/۱۶۴؛ آقا رضا همدانی، مصباح الفقیه، ۹/۵۶ و ۶۳؛ نائینی، محمد حسین، کتاب صلاه، ۱/۱۸؛ روحانی، سید صادق، فقه الصادق، ۴/۲۱ و ۲۲؛ سبزواری، عبد الاعلی، مهذب الاحکام، ۵/۲۳ و ۲۳/۲۸۲.
- ۵۴ شهید اول، ذکری، ۲/۲۹۷؛ ۴/۳۳۵؛ فیض کاشانی، شهاب الثاقب، ۱/۳۴؛ اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده، ۵/۱۹۶؛ بهبهانی، محمد باقر، مصابیح الظلام، ۲/۵۲۹ و ۲۱۲ و ۴۵۱؛ عاملی، سید جواد، مفتاح الکرامه، ۵/۳۳ و ۳۵؛ نراقی، مولی احمد، مستند الشیعه، ۵/۴۳۴ و ۴۳۹؛ ۸/۳۱۹؛ اصفهانی، محمد حسین، کتاب الصلاه، ۴/۱۵۴؛ بروجردی، آقا حسین، تقریر بحث السید بروجردی، ۲/۳۷۰؛ سبحانی، جعفر، الضیاء الناظر، ۳۳/۳۴۶ و ۳۵۰ و ۳۳.

۳. ثبوت نوافل مسافر در اماکن اربعه در فرض قصد اتمام فریضه.^{۵۵}
۴. ثبوت نوافل مسافر در فرض انجام فریضه در اماکن اربعه، حتی اگر فریضه را به صورت قصر بخواند.^{۵۶}
۵. ثبوت نوافل مسافر در فرض انجام فریضه به صورت تمام، به این معنا که اگر فریضه را در اماکن اربعه به صورت قصر بخواند، نوافل برای وی مشروع نیست.^{۵۷}
۶. ثبوت نوافل مسافر در اماکن اربعه به صورت مطلق حتی در فرض اتیان فریضه خارج از اماکن اربعه.^{۵۸}
۷. جواز خواندن نوافل در اماکن اربعه رجائاً.^{۵۹}

۱. دلیل قاعده تبعیت نوافل از فرائض

عمده دلیلی که برای تبعیت آورده شده، روایت ابی یحیی الحنّاط است که می فرماید: «لَوْ صَلَّحَتِ النَّافِلَةُ فِي السَّفَرِ لَمَّتِ الْفَرِيضَةُ»^{۶۰} (اگر نافله در سفر صحیح باشد، فریضه نیز کامل خواهد بود) و روایت فضل بن شاذان «قَالَ وَ إِنَّمَا تَرَكَ تَطَوُّعَ النَّهَارِ وَ لَمْ يَتْرُكْ تَطَوُّعَ اللَّيْلِ لِأَنَّ كُلَّ صَلَاةٍ لَا يُقَصِّرُ فِيهَا لَا يُقَصِّرُ فِيهَا بَعْدَهَا مِنَ التَّطَوُّعِ»^{۶۱} (فرمود: منحصرنا نافله روز ساقط میشود، ولی نافله شب ساقط نمیشود. زیرا هر نمازی که قصر در آن راه ندارد، در نافله آن نیز تقصیر اعمال نمیشود) اما روایات دیگری هم در این زمینه است که می تواند شاهد بحث باشد. مثل روایت «سألته عن التطوع بالنهار و أنا في سفر فقال لا»^{۶۲} (سوال پرسیدم از نافله در روز و در حالی که در سفر هستم حضرت فرمودند: خوانده نمی شود)

بیان استدلال: نافله دایر مدار تمامیت فریضه است. به این معنا که در هر زمانی نماز تمام باشد، نافله نیز برقرار است. بنابراین، اگر در اماکن اربعه نماز را تمام اختیار کرد نافله ساقط نمیشود.^{۶۳}

۱/۱. پاسخ دلیل تبعیت نوافل از فرائض

-
- ۵۵ بروجردی، طباطبائی، تقریر بحث السید البروجردی، ۳۷۳/۲ و ۵۰۹؛ صاحب جواهر، جواهر الکلام فی ثوب الجدید، ۳۹/۴؛ جواهر فی شرح شرایع، ۵۲/۷ و ۵۱ و ۵۰.
 - ۵۶ فیض کاشانی، محسن، معتصم الشیعه، ۲۲۱/۱ و ۲۲۲؛ بحرانی، آل عصفور، یوسف، الحدائق الناظره، ۴۵/۶؛ ۲۹۸/۱۱ و ۴۶۸؛ عاملی، سید جواد، مفتاح الکرامه، ۳۳/۵ و ۳۵؛ اصفهانی، سید ابوالحسن، صلاه مسافر، ۲۰۷.
 - ۵۷ فیض کاشانی، محمد محسن، معتصم الشیعه، ۲۲۱/۱ و ۲۲۲؛ صاحب جواهر، ثوب الجدید، ۳۹/۴؛ جواهر فی شرح شرایع، ۵۲/۷ و ۵۱ و ۵۰؛ سبحانی، جعفر، الضیاء الناظر، ۳۴۶ و ۳۵۰ و ۴۳۳.
 - ۵۸ عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارک الاحکام، ۲۶/۳؛ فیض کاشانی، محمد محسن، معتصم الشیعه، ۲۲۱/۱ و ۲۲۲.
 - ۵۹ اصفهانی، محمد حسین، کتاب الصلاه، ۱۵۴؛ سید یزدی، عروه الوثقی، ۱۶۰/۲؛ سبزواری، عبد الاعلی، مهذب الاحکام، ۲۳/۵ و ۲۸۲/۹.
 - ۶۰ طوسی، استبصار، ۲۲۱/۱؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۸۲/۴.
 - ۶۱ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۸۱/۴ و ۸۲.
 - ۶۲ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۶/۲.
 - ۶۳ کاشف الغطاء، نجفی، انوار الفقاهه، ۲۰.

بررسی سندی روایت: ابی یحیی الحنّاط (گندم فروش) توثیق نشده است و آن فردی که توثیق شده، ابی ولاد الحنّاط است.^{۶۴}

بررسی دلالتی روایت: نخست: خبر ابی یحیی به بحث مورد نظر مرتبط نیست. زیرا ملازمه ای میان صلاحیت نافله و تمامیت فریضه وجود ندارد. در حالی که مطلوب در مقام، اثبات عکس این مطلب است؛ یعنی ملازمه میان تمامیت فریضه و صلاحیت نافله است.^{۶۵} دوم: ملازمه در خبر، بلحاظ طبع سفر است، نه به لحاظ عظمت و شرف بقعه. سفر بما هو (فی نفسه، به خودی خود) همانطور که اقتضای قصر فریضه را دارد، اقتضای سقوط نافله را نیز بدنبال دارد، با توجه به این مطلب، هر جا که فریضه تمام باشد، نافله نیز صلاحیت دارد. اما این روایت دلالت نمی کند بر سقوط نافله در غیر سفر و همچنین دلالت نمی کند بر ثبوت نافله در فرض ثبوت فریضه تامه در غیر جهت سفر، مثل عظمت و شرف بقعه که برای اماکن اربعه است.^{۶۶} سوم: تبعیت نوافل از رواتب نیازمند به قرینه است. در حالی که قرینه ای نداریم، و آن چیزی که ممکن است از آن استفاده تبعیت کنیم، تبعیت در اصل تشریح اولی است نه حالات عارضه بر آن.^{۶۷}

۲. ادله ثبوت نوافل ظهرین در اماکن اربعه در فرض اتمام

عمده دلیل قائلین به ثبوت نوافل ظهرین در فرض اتمام فریضه به شرح زیر است:

۱/۲. اخبار تبعیت

دو دسته از روایات در این رابطه است:

۱. «لَوْ صَلَّحَتِ النَّافِلَةُ فِي السَّفَرِ لَتَمَّتِ الْفَرِيضَةُ» یا «لَوْ صَلَّحَتِ النَّافِلَةُ بِالنَّهَارِ لَتَمَّتِ الْفَرِيضَةُ»^{۶۸}

۲. روایت عبد الله بن سنان «الصلاة في السفر ركعتان ليس قبلهما ولا بعدهما شيء، إلا المغرب»^{۶۹}

۶۴ مدرسی یزدی، نموذج فی الفقه الجعفری، ۴۹۴.

۶۵ اصفهانی، نجفی، نجعه المرآة، ۳۵۷.

۶۶ اصفهانی، محمد حسین، کتاب الصلاة، ۱۵۴؛ مدرسی یزدی، نموذج فی الفقه الجعفری، ۴۹۴ و ۴۹۵.

۶۷ خوئی، منهاج الصالحین، ۲۵۳/۱؛ سبزواری، عبدالاعلی، ۲۴/۵.

۶۸ شیخ طوسی، ۱۴۹۷ تهذیب الاحکام، ۱۶/۲؛ شیخ طوسی، الاستبصار، ۲۲۱/۱؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۸۲/۴.

۶۹ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۸۱/۴؛ اراکی، کتاب الصلاة، ۳۳/۱.

بیان روایت

دلالت روایت چنین است که هرگاه نافله معتبر باشد فریضه تمام است. و هر جا فریضه تمام باشد، نافله صلاحیت دارد. گویا بین فریضه و نافله ملازمه است. و همچنین می فرمایند در صورت شکسته بودن نماز؛ نه بعدش و نه قبلش؛ نافله ای نیست.^{۷۰}

واکاوی بیان روایت

ادله اتمام در اماکن اربعه به مثابه (مانند) صغری است؛ و قول حضرت «لو صلحت النافله..» به مثابه کبری است؛ بنابراین وقتی این قیاس به عرف سپرده شود، به ضمیمه روایاتی که ترغیب می کنند، به کثرت صلوات و به ضمیمه اطلاعات اولیه، اطمینان ایجاد میشود، که اتمام مشروع است و خواندن نوافل در اماکن اربعه جایز می باشد.^{۷۱}

تحلیل روایت

مراد از فقره «لو صَلَّحَتِ النَّافِلَةُ...» تشریح استحباب تعلیقی است، به این معنا که اگر در مکانی نافله مستحب باشد، این به معنای کامل بودن فریضه در آن مکان است و در غیر این صورت استحباب معنا ندارد. و همچنین از کلمه «لو» و از کلمه «لام» در فقره «لَتَمَّتْ» تبعیت نافله از فریضه استنباط میشود، زیرا جزء مترتب بر شرط است.

۱/۱/۲. پاسخ اخبار تبعیت

اول: برخلاف روایات بیانگر سقوط نوافل در اماکن اربعه به طور مطلق، حتی در فرض اتمام، داریم. مانند: «الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ رَكْعَتَانِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ» (نماز در سفر شکسته است نه قبل از آن و نه بعد از آن چیزی نیست) و روایت «سألته عن التطوع بالنهار وأنا في سفر فقال لا»^{۷۲} (سوال پرسیدم از نافله در روز و در حالی که در سفر هستم فرمودند: خوانده نمی شود)

پاسخ: نخست: ادله ای که به صورت مطلق بر سقوط نوافل در حالت سفر دلالت دارند، تنها شامل مواردی می شوند که نمازگزار در اماکن غیرتخیر قرار دارد و این ادله از تمامی جهات اطلاق ندارند که بتوان آن ها را به اماکن تخیر نیز تعمیم داد. به عبارت دیگر، شمول این ادله محدود به غیر اماکن تخیر است. این رویکرد در استنباط شباهت دارد به تحلیل آیه «كُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ»، که در آن متکلم تنها از جهت خاص (حلیت گوشت صید) سخن می گوید و به سایر جهات مربوط به شکار نمی پردازد.^{۷۳}

۷۰ کوه، کمره ای، النجم الزاهر، ۱۰۹.

۷۱ اشتهازی، مدارک العروه، ۴۱۰/۱۹.

۷۲ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۶/۲.

۷۳ مانند، ۴.

دوم: روایت «لاقبلهما...» از جهت اماکن اربعه تخصیص می خورد، و مخصوص فرضی می شود، که متعین قصر است، نه فرضی که اتمام در آن تجویز شده است.^{۷۴}

سوم: ^{۷۵} در فرضی که مکلف ابتدای نماز ظهر در وطن باشد، و نماز را نخواند و به سفری که تمام شرایط سفر قصری را دارد، حرکت کند. در این حالت بنا بر مشهور علماء وظیفه فرد قصر است. با این حال نافله اش تجویز شده است.

۲/۲. استظهار صاحب مدارک

صاحب مدارک می فرماید: استحباب خواندن نوافل در اماکن اربعه کلام نیکویی است. اما استحباب در فرض تمام خواندن فریضه امری بس ظاهر است.^{۷۶}

پاسخ: مراد از ظهور، اگر ظهور روایات باشد، باید گفت چنین ظهوری در روایات وجود ندارد. شاهد بر این مدعی، قیل و قال های مطرح شده نسبت به مسئله و نقض و ابرام های وارده بر مسئله است. و اگر مراد از ظهور؛ استظهار ایشان باشد، گفته میشود استظهار ایشان برای ما حجت نیست. و اگر هم وجدان باشد، همچنین وجدانی یافت نشد.

۳/۲. کلام صاحب جواهر

ایشان می فرماید: نافله تابع فریضه است؛ و نتیجه گرفته اند، که اگر مکلف فریضه را تمام بخواند، یا فریضه تمام جعل شده باشد، ولو به نحو تخییری، نافله مشروع است. و عمده دلیلی که بر این ادعا اقامه میشود:

نخست: پشتیبانی اقوال فقهاء از جمله مرحوم شهید اول، محقق اردبیلی، مرحوم عاملی، مرحوم ابن نما، می باشد

دوم: پشتیبانی روایات از جمله روایت مشهور « يَا بُنَيَّ، لَوْ صَلَّحْتَ النَّافِلَةَ فِي السَّفَرِ لَتَمَّتِ الْفَرِيضَةُ »^{۷۷} (اگر نافله در سفر صحیح باشد، فریضه نیز کامل خواهد بود) که در این روایت مرحوم صاحب جواهر از کلمه «صَلَّحْتَ» استظهار کرده اند که مشروعیت نافله نه به وقوع اتمام فریضه، بلکه به امکان و صلاحیت شرعی برای اتمام وابسته است.

۱/۳/۲. اشکالات کلام صاحب جواهر

نخست: مبنای تبعیت نوافل از فرائض؛ خالی از مناقشه و اجمال نیست. اگر نگوییم که رد میشود.

۷۴ عاملی، موسوی، مدارک الاحکام، ۲۶/۳.

۷۵ اشکال نقضی (اصطلاح نقضی یعنی توسعه در اشکال)

۷۶ عاملی، موسوی، مدارک الاحکام، ۲۶/۳.

۷۷ نجفی، صاحب جواهر، ۵۲/۷ و ۵۰؛ ۳۴۲/۱۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۶/۲

دوم: بر فرض تبعیت نافله از فرائض؛ بازهم نوافل در اماکن اربعه ساقط میشود، حتی در جایی که تمام خواندن مشروع باشد.

اما با دو پیش فرض:

(اول) روایتی که نوافل را در سفر ساقط می کند، «الصلاة في السفر ركعتان...»^{۷۸} شامل اماکن اربعه نیز میشود. اما اینکه دلیل خاص می گوید: در اماکن اربعه اتمام هم مجاز است. منافاتی با «ركعتان ركعتان» ندارد؛ زیرا مقتضای جمع بین دلیل ها، این است که اتمام نیز شرعا در اماکن اربعه جایز می باشد. اما اصل تشریح را، دلیل خاص، نفی نمی کند، زیرا دلیل خاص هم می گوید تشریح همان دو رکعت است، و پیامبر اکرم در سفر چیزی اضافه نکردند، و به اختیار مکلف گذاشته، بنابراین تشریح «ركعتان ركعتان» در سفر نیز اطلاق دارد. و اماکن اربعه را نیز شامل می شود.

(دوم) روایت ابی یحیی «لَوْ صَلَّحَتِ النَّافِلَةُ...» دلالت می کند که هر کجا فریضه به صورت تمام جعل نشده باشد. نافله صلاحیت ندارد. اما در اماکن اربعه چون اتمام واجب تعیینی نیست، بلکه تخییری است، بازهم نوافل ساقط میشود. زیرا مراد از تَمَّتِ الفریضه، وجوب تعیینی است.

۳. ثبوت نوافل ظهرین در اماکن اربعه حتی در فرض انجام دادن فریضه، خارج از اماکن

عمده دلیل در این بحث کلام مرحوم فیض کاشانی است.

۱/۳. صحیحہ علی بن مهزیار و روایت علی بن حدید

ایشان می فرمایند: نسبت به خواندن نوافل در اماکن اربعه سه قول موجود است.

اول: مطلقا مستحب است خواندن نوافل در اماکن اربعه ولو اینکه فریضه در خارج از اماکن اربعه تمام خوانده شود.

دوم: مطلقا مستحب است خواندن نوافل در اماکن اربعه ولو اینکه فریضه در خارج از اماکن اربعه شکسته خوانده شود.

سوم: خواند نافله در فرض آوردن فریضه به صورت کامل در اماکن اربعه مستحب است.

ایشان می فرمایند وجه اول اقرب است. و استشهاد می کنند به روایتی از امام جواد علیه السلام است که حضرت می فرمایند: «برتری دارد نماز خواند در مسجد الحرام و مسجد النبی بر سایر مساجد، و من دوست دارم برای تو که وقتی داخل این دو حرم

۷۸ صدوق، من لایحضره الفقیه؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۴/۸۶.

می شوی فریضه هایت را شکسته نخوانی و زیاد نوافل بخوانی» و در روایت دیگری می فرمایند: «مطلقا هر چه می توانی نوافل بخوان چه در حرمین و چه در غیر حرمین چه در فرض شکسته خوانده شدن و چه فرض اتمام فریضه».^{۷۹}

تحلیل کلام فیض کاشانی

متن ایشان از لحاظ برداشت مغلق است. زیرا از یک سو در متن می فرمایند سه قول در مسئله است. سپس قول سوم را که استحباب نافله در فرض اتمام فریضه در اماکن اربعه باشد را بالخصوص ذکر می کند. و از دگر سو در پاورقی در ذکر اقوال، قول اول را ایشان اقرب می دانند. علاوه بر اینکه ایشان نسبت به قول اول می فرمایند لَعَلَّ، از این تعبیر بدست می آید، که ایشان این دلیل را نپذیرفته است. و در حد تصور و ثبوت مطرح می کنند. بنابراین بنظر می رسد قول سوم ظهورش بیشتر از سایر اقوال باشد. مویذ این کلام، تصحیحی است که بر این کتاب صورت گرفته است. که مصحح قول سوم را تیترا کرده اند. با این اوصاف؛ دلیل سوم، مدعی که خواندن نوافل در اماکن اربعه مطلقا مستحب است، حتی اگر فریضه در خارج از اماکن اربعه خوانده شود، را اثبات نمی کند، بلکه خلاف آن را به اثبات می رساند، که استحباب نوافل تنها در فرض خواندن فریضه به صورت تمام در خود اماکن اربعه صحیح است.

۴. ادله ثبوت نوافل ظهرین در اماکن اربعه مطلقا

۱/۴. اخبار عامه:

۱. صحیحة علی بن مهزیار «فأنا أحب لك إذا دخلتهما أن لا تقصر و تكثر فيهما من الصلاة»^{۸۰}

بیان و تحلیل روایت: کامل ترین مرتبه کثرت در انجام اعمال، خواندن تمامی اعمال مستحبی روزانه است که از جمله آن ها نافله های مربوط به فرایض است. با این حال، این گونه روایات به دلایلی چند از حجیت ساقط می شوند:

نخست: زیرا واژه «صلاه» در این روایات، بدون فرینه، ظهور در نماز واجب دارد. البته ممکن است کسی اشکال کند که در برخی از روایات، واژه «صلاه» به نمازهای مستحبی غیر از نوافل هم اطلاق می شود.

دوم: واژه «أحب» با توجه به عبارت «لا تقصر»، اشاره به نماز واجب دارد که وجوب آن ثابت شده، ولی حضرت کیفیت انجام آن را به طور کامل بیان می کنند و می فرمایند که من دوست دارم نماز را به طور کامل بخوانی. در نوافل، مفهوم «دوست داشتن» معنایی ندارد، زیرا ابتدا باید تکلیف مشخص باشد، و سپس اگر مازاد بر آن باشد، گفته می شود که حضرت دوست دارد.

۷۹ (فیض، محمد محسن، معتصم الشیعه، ۲۲۱/۱ و ۲۲۲؛ کلینی، کافی، ۵۲۵/۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام، الخلاف، ۴۲۸/۵ و ۴۲۶)

۸۰ کلینی، کافی، ۵۲۵/۴ ح ۸؛ شیخ طوسی، تهذیب، ۴۲۸/۵

سوم: علاوه بر این، عبادات مستحب (مانند نوافل) بر اساس رغبت و توانایی شخص انجام می‌شوند و تکلیف خاصی برای «کثرت» آن‌ها وجود ندارد. با توجه به وحدت سیاق، عبارت «وتكثر فيهما من الصلاة» به معنای زیاد خواندن نمازهای واجب در حرمین است، از جمله خواندن نمازهای قضاء است.

۲. روایة علي بن حديد: «صَلَّ النَّوَافِلَ مَا شئت»^{۸۱} «صل في المسجد الحرام ما شئت تطوعا فقال...»^{۸۲} از حضرت راجع به نوافل در اماکن اربعه پرسیدم؟ حضرت فرمودند: در مسجد الحرام و مسجد الرسول و نزد قبر حسین علیه السلام آنچه نماز مستحبی می‌خواهی بخوان و من آن را دوست می‌دارم. یا از حضرت پرسیدم آیا نزد قبر حسین علیه السلام در روز نماز مستحبی بخوانم حضرت فرموده اند بله.^{۸۳}

بیان روایت: در ارتکاز راوی چنین بوده، که نوافل نهاریه به تبع قصر رباعیات، ساقط میشود. و شرف و عظمت اماکن تخییر اقتضای جواز اتمام را دارد، پس آیا اتمام فریضه، اقتضای مشروعیت نافله را دارد؟ حضرت می‌فرمایند بله.^{۸۴}

۳. روایت ابن ابی عمیر «و أنا مُقَصِّرٌ قال تَطَوُّعٌ عنده و أنتَ مُقَصِّرٌ ما شئت... فإنه خیر»^{۸۵} یا روایت النفلیه «الصلاة خیر موضع فمن شاء استقل و من شاء استكثر»

تحلیل و بیان روایت ابی عمیر: سائل از حضرت می‌پرسد وقتی که مسافر هستم، و نمازهایم را شکسته می‌خوانم، آیا در جوار قبر امام حسین علیه السلام و مکه و مدینه، می‌توانم نماز مستحبی بخوانم؟ حضرت فرمودند: در جوار قبر امام حسین علیه السلام آنچه نماز مستحبی می‌خواهی بخوان، زیرا آن عمل خیر و پسندیده‌ای است. یا در روایت دیگر می‌فرمایند نماز بهترین چیزی است که خدای متعال برای بشر قرار داده پس هرکس که بخواند کم بخواند و هرکه بخواند زیاد بخواند. در نظر راوی، به قرینه عبارت «أنا مقصر»، مسلم بوده است که نوافل نهاریه در سفر ساقط می‌شود. با این سوال، او در تلاش بوده است تا از حضرت بپرسد که آیا این حکم درباره مکان‌های تخییر نیز صادق است یا خیر؟ حضرت می‌فرمایند: «نماز مستحبی در مشاهد مشرفه، حتی زمانی که نمازهای شما شکسته است، قابل خواندن است.»

تحلیل و بیان روایت النفلیه: روایت «الصلاة خیر موضع فمن شاء استقل و من شاء استكثر» واژه (الصلاة) انصراف دارد به فرائض نه نوافل، زیرا کثرت استعمال صلات، در فرائض است.^{۸۶}

۸۱ (شیخ طوسی، تهذیب، ۴۲۶/۵؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۳۳/۸).

۸۲ قمی، قولویه، کامل الزیارات، ۲۴۶.

۸۳ نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعه، ۴۳۹/۵.

۸۴ اصفهانی، محمد حسین، کتاب الصلاة، ۱۵۴.

۸۵ علامه مجلسی، بحار الانوار، ۷۹/۸۶.

۸۶ عاملی، سید جواد، مفتاح الکرامه، ۲۳/۵.

پاسخ: نخست: انصراف زمانی صحیح است که قرینه صارفه ای بر آن وجود نداشته باشد اما در این جا واژه (استقل و استکثر) خود بعنوان قرینه صارفه برای انصراف عمل می کند.

دوم: اگر مراد از (صلاة) فرائض باشد، این استدلال به نظر نادرست است؛ زیرا کم و زیاد کردن نماز به اختیار مکلف نیست و او در این مورد اختیاری ندارد. به عبارت دیگر، در فرائض نماز، فرد نمی تواند اختیار داشته باشد که تعداد رکعات را کم یا زیاد کند. بنابراین، مناسب تر به نظر می رسد که مراد از (صلاة) در این روایت، اعمال مستحبی باشد، چرا که در نوافل، مکلف اختیار دارد که نماز را کم یا زیاد بخواند.

سوم: در این روایت، صحبت از اتمام یا قصر نماز نیست. بلکه گفته شده است که مکلف مخیر است که نماز را کم بخواند یا زیاد بخواند. این کم و زیاد خواندن نماز، ارتباطی به دو رکعتی یا چهار رکعتی بودن نماز ندارد. البته ممکن است در برخی موارد شامل آن شود، اما باید توجه داشت که این مسئله بیشتر ناظر به واژه های (استقل و استکثر) است که به کثرت نمازهای مستقل اشاره دارند. به عبارت دیگر، این اصطلاحات مربوط به نمازهای مستقلی است که هر یک به طور جداگانه خوانده می شوند، مانند نماز ظهر، عصر، نماز زیارت، نافله، نماز حاجت و نماز شب.

برای تأیید این ادعا، شاهد عرفی نیز وجود دارد، به این معنا که ممکن است مکلف نماز ظهر و عصر را به طور کامل بخواند، ولی همچنان مفهوم "استقل" بر آن صدق می کند، زیرا دو نماز مستقل خوانده است، ولو این که هر یک از آنها به طور کامل خوانده شده باشد. اما اگر مکلف نماز ظهر و عصر را شکسته بخواند و علاوه بر آن نماز شب را نیز بخواند، یا قضاء نوافل را، به ویژه در سفر، بخواند، در این جا مفهوم "استکثر" صدق می کند. بنابراین، ملاک کثرت، کثرت استقلالی است، نه کثرت اجزائی و ارکانی. به عبارت دیگر، "استکثر" به معنای افزایش تعداد نمازهای مستقل است، نه افزایش تعداد رکعات یا اجزای هر نماز. بر این اساس، این بحث به موضوع مورد نظر مرتبط نمی باشد.^{۸۷}

۴. روایت إسحاق بن عمار «أتفعل في الحرمین ... نعم ما قدرت علیه». به حضرت عرض کردم فدایت شوم در وقتی که مسافر هستم و نماز را شکسته می خوانم آیا می توانم در حرمین، (مسجد الحرام و مسجد النبی) و در کنار قبر امام حسین نماز مستحبی و نافله بخوانم؟ حضرت فرمودند: بله تا آن جا که قدرت داری نماز بخوان.

بیان روایت: وقتی نافله در اماکن اربعه با فرض قصر ثابت است به طریق اولی در فرض اتمام ثابت است.^{۸۸}

۲/۴. رجوع به اصل در فرض شک

۸۷ اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة، ۸/۲.

۸۸ بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره، ۴۶۷/۱۱؛ گیلانی، فومنی، بهجه الفقیه، ۹.

استاد سبحانی می فرماید سقوط نوافل در فرضی است که فریضه به صورت قصر باشد اما در جایی که فریضه قصر نیست؛ نافله طبق اصل اولی که انجام دادنش مستحب است باقی می ماند.^{۸۹}

۳/۴. ادله تحریض و ترغیب در کثرت صلوات

مرحوم بحرانی بیان می فرماید: که بزرگان فقهی مانند شهید، محقق اردبیلی، فاضل خراسانی، علامه مجلسی و محدث کاشانی تصریح کرده‌اند که نوافل ساقط شده از مکلف در سفر، در اماکن اربعه به طور مطلق قابل انجام هستند. این امر، چه مکلف نماز فریضه را به صورت تمام بخواند و چه به صورت قصر، جایز است. دلیل این حکم، استناد به ادله‌ای است که بر ترغیب و تشویق به کثرت نماز تأکید دارند. از جمله حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «الصلاة خیر موضع، فمن شاء استقل ومن شاء استکثر»؛ نماز بهترین موهبتی است که خداوند متعال برای بشر قرار داده است؛ بنابراین، هر کس بخواند می‌تواند آن را کم بخواند و هر کس بخواند می‌تواند آن را زیاد به جا آورد.^{۹۰}

مرحوم ابوالحسن اصفهانی بیان می فرماید: نافله در اماکن اربعه مطلقاً ثابت است به علت روایت‌های که در این زمینه می باشد.^{۹۱} روایتی است که می فرماید در نزد قبر امام حسین علیه السلام و حریمین ولو نماز شما قصر است هرچقدر می توانی نافله بخوان.^{۹۲} یا خبر علی بن ابی حمزه که از حضرت پرسیدند نسبت به نافله ظهر در کنار قبر امام حسین و مشاهد نبی و حریمین حضرت فرمودند هرچقدر می توانی نماز بخوان.^{۹۳} در پایان می فرمایند کسی که تامل کند در اخبار و تعلیلات وارده پی می برد که زیاد خواندن نافله خیر است و زیادی خیر هم خیر است بنابراین به این نتیجه می رسد که رجائاً، خواندن نوافل طبق هیچ مبنای مشکل ندارد.

۴/۴. شرف بقعه

روایاتی که شرافت و عظمت بقعه‌های مبارک را ذکر می کند. پاسخ: شرافت یک مکان به تنهایی مجوزی برای اتمام صلوات نیست، همان طور که مسجد الاقصی به طور واضح شرافت دارد، اما این شرافت دلیلی بر جواز تمام یا خواندن نافله در آن نیست.^{۹۴}

۵/۴. خروج تخصصی اماکن اربعه از ادله سقوط نوافل

۸۹ سبحانی، جعفر، ضیاء الناظر، ۴۳۳ و ۳۵۰ و ۳۴۶.

۹۰ بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره، ۴۵/۶؛ ۲۹۸/۱۱ و ۴۶۸.

۹۱ اصفهانی، ابوالحسن، صلاه مسافر، ۲۰۷.

۹۲ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۵۲/۵.

۹۳ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۵۲/۵.

۹۴ سبحانی، جعفر، ضیاء الناظر، ۳۴۶ و ۳۵۰ و ۴۳۳.

مرحوم بهبهانی می‌فرماید که عموم ادله‌ای که بر سقوط نوافل دلالت دارند، شامل اماکن اربعه نمی‌شود، چه در فرض قصر و چه در فرض تمام. ایشان در خصوص قصر، بر اساس احتمال، این حکم را می‌پذیرند. در پایان، اضافه می‌کنند که این موضوع (ثبوت نافله ظهرین به صورت مطلق) به‌ویژه در کنار قاعده تسامح در ادله سنن (قاعده تسامح در ادله سنن می‌گوید که در مسائل مستحبی مانند نوافل، نیازی به سخت‌گیری در ادله نیست و حتی اگر احتمال استحباب وجود داشته باشد، کافی است که عمل به آن انجام شود) که در احکام مستحبی اعمال می‌شود، قابل توجه است.^{۹۵}

پاسخ: قاعده تسامح بیشتر در زمینه‌هایی کاربرد دارد که شواهد و روایات در مورد مستحبات ضعیف یا غیر قطعی هستند، در حالی که در مورد نوافل، اصول و قواعد فقهی و روایات مستند و محکمی وجود دارد که می‌تواند سبب ایجاد تمایز در میان مکان‌ها یا شرایط مختلف شود.

۶/۴. اتمام صلوات

شهید اول در کتاب *ذکری الشیعة* می‌فرماید: نمازهای واجبی که در شرایط عادی به صورت قصر خوانده می‌شوند، مستحب است که نافله‌های آن‌ها در اماکن اربعه خوانده شوند. دلیل این استحباب، ادله اتمام نماز است؛ زیرا در این اماکن، به دلیل وجود تخییر، این امکان وجود دارد که نمازهای واجب به صورت کامل (تمام) خوانده شوند. بنابراین، استحباب خواندن نافله‌ها نیز به دلیل همین قاعده بر عهده نمازگزار قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، در فقه شیعه، به طور معمول، نماز قصر مخصوص مسافران است. اما در این چهار مکان مقدس، حتی مسافران نیز می‌توانند نماز واجب خود را به صورت تمام بخوانند. این حکم به عنوان یک قاعده خاص در این مکان‌ها مطرح شده است. شهید اول بیان می‌کند که این قاعده اتمام می‌تواند به نوافل نیز سرایت کند، به این معنا که مستحب است نافله‌ها نیز به شکل مختصر (قصر) انجام شوند.^{۹۶}

۷/۴. سزاوار نبودن ترک نافله

صاحب مفاتیح شرایع می‌فرماید سزاوار نیست که ترک شود نوافل در اماکن اربعه خصوصاً همراه اینکه مکلف فرائض را تمام بخواند.^{۹۷ ۹۸}

۹۵ بهبهانی، محمد باقر، مصابیح الظلام، ۵۲۹/۲ و ۲۱۲ و ۴۵۱.

۹۶ شهید اول، ذکری، ۳۹۷/۲؛ ۳۳۵/۴.

۹۷ کاشانی، محسن، مفاتیح الشرایع، ۳۴/۱.

۹۸ شهید اول، ذکری، ۳۳۵/۴؛ شاهرودی، محمود، مقالات فقهیه، ۱۹۵/۴.

۸/۴. عدم دلیل قطعی بر سقوط نوافل در اماکن اربعه

مرحوم سید یزدی بیان می فرمایند: نافله در اماکن اربعه بعثت احتمال مطلوبیت رجائا خوانده شود. زیرا نسبت به سقوط و عدم سقوط در آن اختلاف وجود دارد.^{۹۹}

۵. ادله سقوط نوافل

مرحوم روحانی در فقه الصادق می فرمایند: نوافل یومیه مسافر مطلقا ساقط میشود خصوصا در اماکن اربعه و همین قول را هم اقوی شمرده اند.

۱/۵. اطلاق نصوص

مقتضای اطلاق نصوص، تعیین قصر در سفر و سقوط نوافل یومیه در آن است.^{۱۰۰} اما اخبار دال بر جواز اتمام در اماکن اربعه، موجب تقیید اطلاقات تعیین قصر می شود. بنابراین، در اماکن اربعه تعیین قصر نیست و نسبت به قصر مخیر هستیم. با این حال، این امر موجب تقیید سقوط نوافل یومیه نمی شود، چرا که دلیلی بر آن نداریم. همچنین، اخباری که دال بر محبوبیت کثرت صلوات یا استحباب تطوع در اماکن اربعه هستند، دلالت نمی کنند بر مشروعیت نوافل نهاریه در این اماکن به گونه ای که موجب تقیید اطلاقات شود.^{۱۰۱} (یعنی کثرت صلوات موجب تشریح نوافل نیست)^{۱۰۲}

تحلیل و پاسخ اطلاق نصوص

روایات دال بر کثرت صلوات، مطلق اند، و محل بحث، که ثبوت نوافل ظهرین در اماکن اربعه باشد را در بر می گیرد^{۱۰۳}. بویژه این که برخی از روایات ها به طور صریح ذکر کرده اند؛ که خواندن نوافل جایز است. برای نمونه: از حضرت در مورد خواندن نوافل نهاریه در سفر سوال می کنند،^{۱۰۴} و حضرت می فرمایند: هر چه توان داری بخوان (نعم ما قدرت علیه^{۱۰۵})^{۱۰۶} یا راوی از حضرت

۹۹ سید یزدی، عروه الوثقی، ۱۶۰/۲

۱۰۰ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۸۱/۴.

۱۰۱ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۲۹/۸ و ۵۳۵.

۱۰۲ روحانی، صادق، فقه الصادق، ۲۱/۴ و ۲۲.

۱۰۳ اکثر موجب تشریح نافله نمی باشد فتامل.

۱۰۴ اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان، ۸/۲.

۱۰۵ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۳۵/۸.

۱۰۶ طوسی، تهذیب، ۴۲۶/۵؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۳۳/۸.

سوال می کند که آیا می توانم در حالی که مسافر هستم و نماز هایم شکسته است، نماز مستحبی در روز، آن هم کنار قبر حسین بن علی و حرمین بخوانم؟ حضرت فرموده اند بله^{۱۰۷}

۲/۵. عدم وجود قرینه بر تبعیت

مرحوم سبزواری^{۱۰۸} می فرماید: مقتضای عموم اخبار، سقوط نافله ظهرین در اماکن اربعه است، حتی اگر اتمام اختیار شود. زیرا ایشان تبعیت را فرع بر قرینه می دانند، که در اینجا قرینه ای وجود ندارد، حتی در روایت ابی حناط. و اگر هم تبعیت وجود داشته باشد، این تبعیت در اصل تشریح است، نه در حالات عارضی بر آن.^{۱۰۹}

۳/۵. اخبار

مرحوم نائینی می فرماید: فریضه در سفر به حسب جعل اولی مقصوره است (صغری) و اتمام در موطن تخییر رخصت است (کبری) بنابراین وقتی به حسب جعل، فرائض مقصوره است، نوافل هم ساقط میشود. (نتیجه).^{۱۱۰}

اما روایاتی که ظهور دارند، در اینکه نوافل در سفر ساقط میشود، عمدتاً دو دسته اند تقسیم می شوند:

۱- «الصلاة في السفر ركعتان ليس قبلهما ولا بعدهما شيء»^{۱۱۱}

۲- صفوان بن یحیی «قال سألت عن التطوع بالنهار وأنا في السفر، فقال لا»^{۱۱۲}

اما مودای دو روایت:

مودای روایت اول: سقوط نوافل، چه قبل صلات مقصوره و چه بعد صلات مقصوره.

مودای روایت دوم: سقوط نوافل چه در فرض اتمام فریضه چه در فرض قصر فریضه.^{۱۱۳}

تحلیل و پاسخ روایت اول^{۱۱۴}

۱۰۷ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۳۵/۸؛ طوسی، استبصار، ۳۳۱/۲.

۱۰۸ سبزواری، مهذب الاحکام، ۲۳/۵؛ ۲۸۲/۹.

۱۰۹ مراد از حالات عارضه اماکن اربعه و غیر اماکن اربعه می باشد.

۱۱۰ نائینی، کتاب صلاه، ۱۸/۱.

۱۱۱ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۸۱/۴.

۱۱۲ طوسی، استبصار، ۲۲۱/۱. به این دو مضمون روایات کثیره ای موجود است در روایات.

۱۱۳ نجفی، اصفهانی، نجعه المرتاد، ۳۵۷. عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام، ۲۶/۳.

۱۱۴ نائینی، کتاب الصلاه، ۱۸/۱.

این روایت نه تنها شامل فرائض در اماکن اربعه نمی‌شود، بلکه شامل نوافل در این اماکن نیز نمی‌باشد، زیرا در روایت فقط در فرض قصر فریضه آمده است که نافله چه قبل و چه بعد از آن ساقط می‌شود، اما در مورد فرض اتمام فریضه اصلاً در مقام بیان نیست.

بنابراین روایت «الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ رُكْعَتَانِ **أَوَّلًا**: دلالت روایت بر شکسته شدن نماز در سفر، صریح است. **ثانیاً**: قید «رُكْعَتَانِ» احترازی است از نماز کامل، همانطور که قید «شَیْءٌ» احترازی است از نافله ناقصه، زیرا با نقصان فریضه، نافله کلاً ساقط می‌شود. **ثالثاً**: ظهور روایت در جعل تعیینی است نه تخییری. **رابعاً**: عناوین ظهور در فعلیت دارند؛ به همین دلیل «رُكْعَتَانِ» به معنای کسی است که برای او به طور بالفعل نماز دو رکعتی جعل شده است، مشابه به عبارت «لَا تُصَلِّ حَلْفَ الْفَاسِقِ»، که مراد کسی است که بالفعل فاسق است. این امر خلاف اماکن اربعه است، زیرا در اماکن اربعه، در حق مکلف قصر به طور بالفعل نیست، بلکه قصر جایز است. بنابراین، روایت در حقیقت به این صورت خواهد بود: «الصَّلَاةُ بِالْفِعْلِ لِمُكَلَّفِ الْمُسَافِرِ رُكْعَتَانِ».

اما آیا روایت مذکور، ظهور در نوافل دارد؟ بله، زیرا ظهور قید «لیس قبلهما و لا بعدهما» در نوافل است، چرا که تنها اعمالی که قبل صلوات و بعد صلوات، در مرتکبات متشرعه وجود دارد همان نوافل است. اما قید «قبلهما» مراد نافله، ظهر، عصر، صبح است، و قید «بعدهما» مراد نافله، مغرب و عشاء است. این گونه نیست که هر کدام از این قیدها حکم جداگانه‌ای را بیان کنند، به طوری که قید «قَبْلَهُمَا» حکم سقوط نافله را بیان کند، و قید «بَعْدَهُمَا» حکم نقصان فریضه را بیان کند؛ زیرا:

أولاً: این امر خلاف ظهور روایت است.

ثانیاً: خلاف وحدت سیاق موجود در کلام است. چرا که قید «شَیْءٌ» در روایت که به عنوان اسم موخر برای «لَا» است، خبرش دو قید «قَبْلَهُمَا و لَا بَعْدَهُمَا» می‌باشد، و همچنین «وَأَوْ» در روایت عطف است نه تفسیر.

ثالثاً: اصل در قیود، احترازی است نه تأکید بودن.

بنابراین، بر فرض صحت کلام، لازمه آن این است که قید «بَعْدَهُمَا» تأکید و تفسیر «رُكْعَتَانِ» باشد. به این نحو که روایت می‌گوید: فریضه در سفر دو رکعت است، که نافله‌های قبل از آن ساقط است و فریضه دو رکعتی، بعد از آن چیزی نیست که به نظر می‌رسد کاری لغو باشد.^{۱۱۶۱۱۵}

نتیجه روایت اول: اخبار این قسم دلالت می‌کند بر سقوط نوافل در سفری که قصر در آن تعیین دارد، نه به طور مطلق. از این رو، چون در اماکن اربعه، قصر تعیینی ندارد و بلکه قصر جایز است، این روایت شامل آن نمی‌شود. بنابراین، عمومات نوافل از معارض

۱۱۵ آقا رضا همدانی، مصباح الفقیه، ۶۳/۹.

۱۱۶ نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعه، ۴۳۹/۵.

سالم می ماند و تقویت می شوند، به ویژه با روایاتی که می فرمایند: «فأنا أحب لك تكثر فيهما من الصلاة»^{۱۱۷} و یا روایتی که در کامل زیارات آمده است «نعم، ما قدرت علیه»^{۱۱۸ ۱۱۹}

تحلیل و پاسخ روایت دوم

روایت دوم فی نفسه مقتضایش سقوط نافله هست مطلقاً؛ چه فرض اتمام یا تقصیر؛ چه اماکن اربعه و چه غیر اماکن اربعه اما ممکن است استدلال آوریم بر عدم سقوط نافله در فرض اختیار اتمام^{۱۲۰} به دلیل تعلیلی که در روایت فضل، از امام رضا علیه السلام وجود دارد. که حضرت می فرمایند: تنها نماز مستحبی روزانه ترک می شود و نماز مستحبی شبانه ترک نمی گردد. دلیل این سخن ایشان نیز این است که هر فریضه ای که قصر نمیشود، نافله اش هم قصر نمیشود.^{۱۲۱ ۱۲۲}

اما عمده اشکالی که مطرح می شود این است که شما معنای روایت را به اشتباه فهمیده اید. مراد از فقره «لأنّ كلّ صلاة لا يقصر فيها لا يقصر في ما بعدها من التطوّع»^{۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵} این نیست که هر صلاتی که تام باشد، نافله اش نیز ثابت است. بلکه مراد این است که هر صلاتی که اصلاً قابلیت شکسته شدن در سفر (چه در اماکن اربعه و چه در غیر اماکن اربعه) را ندارد مانند مغرب و صبح نافله اش ثابت است. بنابراین در مجموع، مراد روایت این است که هر صلاتی که مقتضی سقوط راندارد، نافله اش نیز ساقط نمی شود، چه نافله قبل از آن باشد و چه بعد از آن.

نتیجه روایت دوم: روایت دوم مربوط به صلوات مسافر در غیر اماکن اربعه است و ارتباطی به اماکن اربعه ندارد. هر چند قید «أنا فی السفر» اطلاق دارد، اما به خاطر قرینه موجود در روایت، منصرف به غیر اماکن اربعه است.^{۱۲۶} علاوه بر این، نسبت به نوافل، روایت اعم از مدعی است. بدین معنا که درست است که تطوع به طور کلی به اعمال مستحبی اطلاق می شود و نوافل را نیز دربر می گیرد، اما روایت اعم از مدعی است. زمانی اشکال شما وارد است که روایت مساوی با مدعی باشد، نه اخص از آن یا اعم از آن.

۱۱۷ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۲۵/۸؛ طوسی، استبصار، ۴۲۸/۵.

۱۱۸ ابن قولویه، کامل زیارات، ۲۴۷/۱.

۱۱۹ طوسی، تهذیب الاحکام، ۴۲۶/۵؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۳۳/۸.

۱۲۰ روایات دال بر سقوط نوافل در سفر؛ در فرض اختیار قصر، مطلق و مقید می باشد. بنابراین باید حکم مطلق و مقید متوافقین را جاری کرد که برخی اطلاق گیری را این جا موجه نمی دانند.

۱۲۱ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۸۷/۴.

۱۲۲ بروجردی، تقریر بحث السید بروجردی، ۳۷۰/۲.

۱۲۳ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۲۹/۸.

۱۲۴ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۳۵/۸.

۱۲۵ اراکی، کتاب الصلاة، ۳۱ و ۳۲؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۵۳۵/۸.

۱۲۶ نجفی، اصفهانی، نجهه المرتاد، ۳۵۸.

نتیجه گیری

ادله‌ای که اصل جعل نوافل را بیان می‌کنند، دامنه‌ای محدود به مجعول تعیینی دارند و شامل مجعول تخییری در اماکن اربعه نمی‌شوند. زیرا اگر کثرت صلوات در سفر با مسافرت سازگار بود، باید فرایض به‌طور کامل تشریح می‌شدند. اما با تأمل بیشتر می‌توان ارتباطی منطقی میان کثرت صلوات و سفر برقرار کرد؛ به‌ویژه در شرایطی که عارضه‌ای خاص به وجود آمده باشد که آن عارضه خود اماکن تخییر است که این عارضه باعث می‌شود که در این اماکن، نوافل ساقط نشوند.

علاوه بر این، در اماکن اربعه، مرجع اصلی برای بررسی این مسئله یا اصل لفظی است یا اصل عملی. طبق اصل لفظی، ثبوت نوافل به‌طور قوی و بدون تردید ثابت می‌شود، مگر آن‌که دلیلی بر مشروعیت سقوط نوافل در این اماکن ارائه شود. در اصل عملی نیز، استصحاب ثبوت نوافل مطرح است. به این معنا که مکلف به‌خوبی آگاه است که دیروز، هنگامی که در وطن بوده، نوافل بر او واجب بوده است. از طرفی، می‌داند که در سفر خارج از اماکن اربعه، به‌واسطه اجماع و ضرورت و همچنین به‌سبب روایات معتبر، نوافل ساقط می‌شود. حالا در حالتی که در اماکن اربعه است، شک دارد که آیا نوافل از او ساقط شده‌اند یا خیر؟ در این صورت، استصحاب ثبوت نوافل در این مکان‌ها، ثبوت حکم را تأیید می‌کند.

نتیجتاً، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. خواندن نوافل، چه بر اساس قول به سقوط نوافل و چه بر اساس ثبوت نوافل به قصد رجاء، با اجماع فقها هیچ‌گونه مانعی ندارد.
۲. قول به سقوط مطلق نوافل، بجهت عدم تقیید نوافل، توسط ادله جواز اتمام ساقط شد. علاوه بر این، روایات مربوط به سقوط نوافل علاوه بر مشکلات سندی، توان مقابله با سایر ادله را نداشتند.
۳. قول به ثبوت نوافل در صورتی که فریضه خارج از اماکن اربعه ادا شده باشد، به‌دلیل مغلق بودن و مجمل بودن این ادله، به‌طور کامل قابل استناد نیست.
۴. قول به ثبوت نافله ظهرین در فرض اتمام نیز به‌دلیل رد ملازمه و مجعول تعیینی بودن ادله، مورد پذیرش قرار نگرفت.

منابع

قرآن کریم، سوره مائده، ۴

- اصفهان‌ی، محمد حسین، صلاة المسافر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق.
- اصفهان‌ی، محمد رضا، آقا نجفی، نجعة المرثاد، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء سلام الله علیها، اصفهان ۱۴۱۶ق.
- اصفهان‌ی، سید ابو الحسن، صلاة المسافر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ق.
- اصفهان‌ی، مجلسی اول، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۴ق.

- اردبيلي، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٠٣ق.
- اشتهاردى، على پناه، مدارك العروة، دار الأسوة للطباعة، ١٤١٧ق.
- اراكى، محمد على، كتاب الصلاة، دفتر جناب مؤلف، قم، ١٤٢١ق.
- بحرانى، آل عصفو، يوسف بن احمد بن ابراهيم، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٠٥ق.
- بحرانى، محمد سند، سند العروة الوثقى، صلاة المسافر، مكتبة الداوري، قم، ١٤١٣ق.
- بروجردى حسين طباطبايى، تقرير بحث السيد البروجردى، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق.
- بروجردى، آقا حسين طباطبايى، تبيان الصلاة، گنج عرفان للطباعة و النشر، قم، ١٤٢٦ق.
- بروجردى، آقا حسين طباطبايى، نهاية التقرير.
- بروجردى، آقا حسين طباطبايى، البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافر، دفتر حضرت آية الله، قم، ١٤١٦ق.
- بهبهاني، محمد باقر بن محمد اكمل، مصابيح الظلام، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهاني، قم، ١٤٢٤ق.
- بحرانى، محمد سند، سند العروة الوثقى، مكتبة الداوري، قم، ١٤١٣ق.
- بغدادى، مفيد، محمّد بن محمد بن نعمان عكبرى، المقنعة، در يك جلد، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، قم - ١٤١٣ق.
- بغدادى، مفيد، محمّد بن محمد بن نعمان عكبرى، الإشراف في عمّة فرائض أهل الإسلام، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ق.
- بغدادى، مفيد، محمّد بن محمد بن نعمان عكبرى، الإعلام بما اتفقت عليه الإمامية من الأحكام، در يك جلد، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ق.
- تبريزى، ابو طالب تجليل، التعليقة الاستدلالية على تحرير الوسيلة، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، ١٤٢١ق.
- تبريزى، جعفر سبحانى، ضياء الناظر في أحكام صلاة المسافر، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، ١٤١٨ق.
- جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، معجم فقه الجواهر، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ١٤١٧ق.
- جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى، قم، ١٤٢٦ق.
- جمعى از پژوهشگران زير نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، موسوعة الفقه الإسلامى طبقا لمذهب اهل البيت مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى، قم، ١٤٢٣ق.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية دار العلم للملايين، بيروت، ١٤١٠ق.
- جزرى، ابن اثير، مبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، ١٨٩٣م.
- حكيم، سيد محسن طباطبايى، مستمسك العروة الوثقى، مؤسسة دار التفسير، قم، ١٤١٦ق.
- حلبى، ابن زهره، حمزة بن على حسيني، غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، ١٤١٧ق.
- حلى، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٠ق.

- حلّي، محقق، نجم الدين، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، مؤسسه اسماعيليان، قم، ١٤٠٨ق.
- حلّي، محقق، نجم الدين، جعفر بن حسن، المختصر النافع في فقه الإمامية، مؤسسة المطبوعات الدينية، قم، ١٤١٨ق.
- حلّي، يحيى بن سعيد، الجامع للشرائع، مؤسسة سيد الشهداء العلمية، قم، ١٤٠٥ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٣ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، ١٤١٣ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، تذكرة الفقهاء (الحديثة)، مؤسسه آل البيت، قم، ١٤١٤ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٠ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (الحديثة)، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، ١٤٢٠ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، تحقيق قسم الفقه في مجمع البحوث الاسلاميه، ١٤٢٩ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، تبصرة المتعلمين في أحكام الدين، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، تهران، ١٤١١ق.
- حلّي، محقق، نجم الدين، جعفر بن حسن، المعتبر في شرح المختصر، مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام، قم، ١٤٠٧ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، منتهى المطلب، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ١٤١٢ق.
- حلبی، ابو الصلاح، تقی الدين بن نجم الدين، الكافي في الفقه، كتابخانه عمومی امير المؤمنين عليه السلام، اصفهان، ١٤٠٣ق.
- حلبی، ابن زهره، حمزة بن علي حسيني، غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، ١٤١٧ق.
- حلّي، محقق، نجم الدين، جعفر بن حسن، نكت النهاية، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٢ق.
- حلّي، يحيى بن سعيد، نزهة الناظر في الجمع بين الأشباه والنظائر، منشورات رضی، قم، ١٣٩٤ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، تذكرة الفقهاء (الحديثة)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤١٤ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، نهاية الأحكام في معرفة الأحكام، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤١٩ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، الرسالة السعدية، دار الصفوة، بيروت، ١٤١٣ق.
- حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، تلخيص المرام في معرفة الأحكام، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، ١٤٢١ق.
- حائري، سيد علي بن محمد طباطبائي، رياض المسائل (الحديثة)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤١٨ق.
- خويي، سيد ابو القاسم موسوي، موسوعة الإمام الخوئي، موسوعة إحياء آثار الإمام الخوئي ره، قم، ١٤١٨ق.
- خويي، سيد ابو القاسم موسوي، منهاج الصالحين، نشر مدينة العلم، قم، ١٤١٠ق.
- خميني، سيد روح الله موسوي، تحرير الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، ١٩٨٦م.
- خميني، سيد روح الله موسوي، زبدة الأحكام، سازمان تبليغات اسلامي، تهران، ١٤٠٤ق.

- خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارك في شرح مختصر النافع، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
- خوانساری، آقا جمال الدین محمد بن آقا حسین بن محمد، التعليقات على الروضة البهية، منشورات المدرسة الرضوية، قم.
- دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب الصلاة، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، ۱۴۱۵ق.
- دیلمی، سلار، حمزة بن عبد العزيز، المراسم العلوية و الأحكام النبوية، دريك جلد، منشورات الحرمین، قم، ۱۴۰۴ق.
- سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله، قم، ۱۴۱۳ق.
- شوشتری، محمد تقی، النجعة في شرح اللمعة، کتابفروشی صدوق، تهران، ۱۴۰۶ق.
- شريف مرتضى، على بن حسين موسوى، الانتصار في انفرادات الإمامية دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۵ق.
- شريف مرتضى، على بن حسين موسوى، جمل العلم و العمل، مطبعة الآداب، نجف اشرف، ۱۳۸۷ق.
- شريف مرتضى، على بن حسين موسوى، المسائل الناصريات، رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية، تهران، ۱۴۱۷ق.
- بنی فضل، مرتضی بن سیف علی، مدارك تحرير الوسيلة - الصلاة، ۳ جلد.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی، قراءات فقهية معاصرة، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم، ۱۴۲۳ق.
- صدر محمد باقر، دروس في علم الاصول، ۱۴۰۸ق.
- صاحب بن عباد، كافي الكفاة اسماعيل بن عباد، المحيط في اللغة، عالم الكتاب، بيروت، ۱۴۱۴ق.
- صاحب بن عباد، كافي الكفاة اسماعيل بن عباد، المبسوط في فقه الإمامية، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، ۱۳۸۷ق.
- صاحب بن عباد، كافي الكفاة اسماعيل بن عباد، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۰۷ق.
- طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزيز، المهذب (لابن البراج)، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۰۶ق.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، دريك جلد، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۰ق.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادي إلى طريق الرشاد، انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون، اول، ۱۳۷۵ق.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذيب الأحكام، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الجمل و العقود في العبادات، مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷ق.
- عاملی، ابو جعفر، محمد بن حسن، استقصاء الاعتبار في شرح الاستبصار، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ق.
- عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بيروت، ۱۴۱۱ق.
- عاملی، شهيد اول، محمد بن مکی، ذکرى الشيعة في أحكام الشريعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۱۹ق.
- عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد في شرح القواعد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۱۴ق.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (الحديثة)، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۹ق.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان (الحديثة)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۰۲ق.

عاملی، سید محمد حسین ترحینی، الزبدة الفقهية فی شرح الروضة البهية، دار الفقه للطباعة و النشر، قم، ۱۴۲۷ق.

عاملی، سید محمد حسین ترحینی، الدروس الشرعية فی فقه الإمامية، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزة علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، البیان، محقق، قم، ۱۴۱۲ق.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، حاشية الإرشاد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۱۴ق.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الحاشية الأولى علی الألفية، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۲۰ق.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الحاشية الثانية علی الألفية، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۲۰ق.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، حاشية المختصر النافع، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۲۲ق.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، حاشية شرائع الإسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۲۲ق.

عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، کتابفروشی مفید، قم.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الفوائد المليية لشرح الرسالة النفلية، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۲۰ق.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۳ق.

ققعانی، علی بن علی بن محمد بن طی، مسائل ابن طی المسائل الفقهية.

قمی، سید تقی طباطبائی، الغاية القصوى فی التعليق علی العروة الوثقى - کتاب الصوم، انتشارات محلاتی، قم، ۱۴۱۷ق.

قمی، سید صادق حسینی روحانی، فقه الصادق علیه السلام، دار الكتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۱۲ق.

قمی، سید تقی طباطبائی، مباني منهاج الصالحين، منشورات قلم الشرق، قم، ۱۴۲۶ق.

قمی، صدوق، محمّد بن علی بن بابويه، المقنع، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم، ۱۴۱۵ق.

قمی، صدوق، محمّد بن علی بن بابويه، الهداية في الأصول و الفروع، دريك جلد، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم، ۱۴۱۸ق.

كوه كمری، سید محمد بن علی حجت، النجم الزاهر في صلاة المسافرين، طلوع، تبريز، ۱۴۱۰ق.

كاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضى، معتصم الشيعة في أحكام الشريعة، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، ۱۴۲۹ق.

کابلی، محمد اسحاق فیاض، تعاليق مبسوطة علی العروة الوثقى، انتشارات محلاتی، قم.

كاشانی، ملا حبيب الله شريف، تسهيل المسالك إلى المدارك، المطبعة العلمية، ۱۴۰۴ق.

كاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضى، الشهاب الثاقب في وجوب صلاة الجمعة العينية، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ۱۴۰۱ق.

كاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضى، رسائل فیض كاشانی، ۲۴ جلد، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، ۱۴۲۹ق.

كاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضى، مفاتيح الشرائع، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۱ق.

گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، بهجة الفقيه، انتشارات شفق، قم، ۱۴۲۴ق.

گیلانی، میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، غنائم الأیام في مسائل الحلال و الحرام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، تفصیل الشریعة في شرح تحریر الوسيلة، مؤلف، قم، ۱۴۰۸ق.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة في أحكام الشریعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق.

نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر، تحفه رضویه، در یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۲۶ق.

نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۴ق.

نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، أنوار الفقاهة كتاب الصلاة لكاشف الغطاء، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف اشرف، ۱۴۲۲ق.

نجفی، کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا بن هادی، کتاب الصلاة لكاشف الغطاء، مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق.

نائینی، میرزا محمد حسین غروی، کتاب الصلاة للنائینی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزة علمیه قم، ۱۴۱۱ق.

همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، مؤسسة الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۶ق.

یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخميني، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲ق.

یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی المحشی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.

یزدی، سید محمد، محقق داماد، کتاب الصلاة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزة علمیه قم، ۱۴۱۶ق.

یزدی، سید عباس مدرسی، نموذج في الفقه الجعفري، در یک جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ق.

یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۹ق.

انتشارات